

نظرات اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران درباره کنگره چهارم حزب

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران در دسامبر ۲۰۰۳ برگزار میشود.
برگزاری این کنگره در اوضاع متحول سیاسی ایران یک اتفاق سیاسی مهم است.
از اینرو، انترناسیونال هفتگی از طریق یک سوال نظرات اعضای کمیته مرکزی حزب
را درباره کنگره و انتظارات آنان از کنگره جویا شده است.
پاسخ های اعضای کمیته مرکزی به این سوال
در سه شماره ضمیمه انترناسیونال هفتگی منتشر میشود.

در این شماره:

محسن ابراهیمی

علی جوادی

رحمان حسین زاده

مجید حسینی

شها دانشفر

فاتح شیخ الاسلامی

ثریا شهابی

ایرج فرزاد

اعظم کم گویان

اسد گلچینی



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۸۵

ضمیمه

۱۶ آبان ۱۳۸۲

۷ نوامبر ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

آزادی برابری حکومت کارگری!

انترناسیونال هفتگی: در آستانه برگزاری کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران هستیم. درباره نقش این کنگره در اوضاع سیاسی ایران چه فکر میکنید؟ کنگره به چه مسائلی باید پاسخ بدهد و حزب را به چه سمتی باید هدایت کند؟



محسن ابراهیمی

رنگارنگ اپوزیسیون در یک طرف و مردم سرنگونی طلب و حزب کمونیست کارگری در طرف مقابل. جبهه اول در مقابل سرنگونی جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب است و به هر کاری دست میزند تا دخالت مردم از هر نوع تحول سیاسی آتی را حذف کند. در مقابل، حزب کمونیست کارگری میخواد جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب، با دخالت فعال مردم سرنگون شود. کنگره باید حزب کمونیست کارگری را برای خنثی کردن این تلاشهای غرب و اپوزیسیون طرفدار جمهوری اسلامی آماده تر کند.

حزب کمونیست کارگری یک نیروی قدرتمند طرفدار یک انقلاب زیر و رو کننده سوسیالیستی است. آزادی مردم، رفاه مردم، برابری همه مردم را میخواد و همه آنها را همین امروز میخواد. انقلاب آتی ایران فقط با رهبری این حزب خواهد توانست دنیایی بهتر بر ویرانه نظام ضد انسان جمهوری اسلامی برقرار کند. کنگره چهار باید راههای تامین رهبری انقلاب ایران توسط حزب کمونیست کارگری را روشن تر کند و حزب را برای ایفای نقش رهبری در انقلاب آتی آماده تر کند.

در چند کلمه، کنگره چهار باید بتواند حزب کمونیست کارگری را یک قدم بلند برای تبدیل شدن به رهبر جنبش سرنگونی، به رهبر انقلاب مردم برای ساختن دنیایی انسانی نزدیکتر کند. *



علی جوادی

بنظر من کنگره چهارم حزب قبل از هر چیز باید مختصات تحولات سیاسی و تاریخی را که در ایران در حال شکل گیری است به روشنی تشخیص دهد. بر روی آن انگشت بگذارد و حزب را برای ایفای نقش اساسی و تعیین کننده خویش در این راستا مجهز و آماده کند.

واقعیت این است که جامعه ایران در آستانه یک تحول تاریخی و بنیادی، در آستانه یک انقلاب عظیم اجتماعی، قرار گرفته است. از دل جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی و پایان بخشیدن به تمامی مشقت و مصیبتی که هر روزه بر مردم میروند رژیم اسلامی سرمایه در حال شکل گیری است، این امکان در مقابل جامعه گرفته است که از شر کلیه مصائب گریبانگیر مردم، از فقر و فلاکت و محرومیت و تبعیض و نابرابری و اختناق و سرکوب سیاسی و مذهبی گرفته تا جهل و خرافه و عقب ماندگی و بیکاری و بی مسکنی و بی تامینی و فساد و جنایت و بی حقوقی مدنی و سیاسی برای همیشه خلاص شود. واقعیت این است که یک دوره بیداری عظیم و تاریخی توده های مردم، دوره دخالت همه جانبه و شرکت گسترده مردم بر سر شکل دادن و بدست گرفتن سرنوشت و آینده خویش، دوره جدالهای سرنوشت ساز بر سر سهم انسانها از آزادی، رفاه، برابری، و سعادت و خوشبختی آغاز شده است.

جامعه ایران اکنون در آستانه این تحول عظیم و انتخاب بر سر آینده

قرار گرفته است. و تمام شکوه و زیبایی تحولات حاضر در این است که سرانجام این انتخاب و تحول اجتماعی میتواند انتخابی بر سر تمام آزادی، تمام رهایی و برابری و رفاه و شادی باشد. تمام اهمیت مساله در این است که تحولات حاضر و شرایط تاریخی این امکان را در مقابل جامعه، در مقابل کارگر و کمونیسم و در مقابل تمام مردم آزادخواه و برابری طلب برای برقراری نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و یک جمهوری سوسیالیستی که متضمن آزادی و برابری و رهایی و رفاه انسانهاست، فراهم کرده است.

یک نتیجه محتوم تحولات حاضر بدون شک سرنگونی رژیم اسلامی است و سرنگونی رژیم اسلامی هدف کسب قدرت سیاسی است. اما مساله این است که تحولات جاری فقط بر سرنگونی رژیم اسلامی نیست. بر سر سهم انسانها از زندگی و آینده است. اینکه در فردای این تحولات مردم در جامعه ای ۷۰ میلیونی چگونه زندگی خواهند کرد. چه سهمی از زندگی و شادی و رفاه و آزادی خواهند داشت، این مساله کلیدی است!

اما این مسیری پر پیچ و خم و ناهموار است. موانع و مشکلات بسیارند. تمام احزاب و سازمانهای اصلی بورژوازی ایران، اعم از ارتجاع اسلامی حاکم و جناح دوم خرداد یا کل اپوزیسیون ملی - اسلامی خارج حکومت و کل ناسیونالیستهای "پرو غریبی" و مدافعان رژیم پیشین سلطنتی به اشکال مختلف و به درجات مختلف در مقابل کل این حرکت تاریخی قرار دارند. تمام نیروهای بورژوازی خود را به عنوان قطب مقابل و رو در روی این تحولات عظیم تعریف میکنند. و در این راستا کل بورژوازی غرب را نیز در پشت سر خود دارند. میکوشند مردم را به کم قانع و راضی کنند. میکوشند ایستگاههایی در راه آزادی و سعادت انسانها ایجاد کنند. میکوشند نقطه سازشهای جدیدی برای مردم که متضمن حفظ شالوده نظام طبقاتی و بنیادهای استثمار و استبداد حاکم است را به عنوان پیروزی مردم تعریف کنند و مردم را

متوقف کنند. کنگره باید این موانع آزادی و رهایی مردم را بشناسد. باید حزب را برای مقابله با چنین شرایطی آماده کند. مدام مردم را برای منزوی و حاشیه ای کردن این ایستگاهها و فراتر رفتن از آن فراخواند. اگر ما شکست بخوریم آزادی شکست خورده است. اگر ما شکست بخوریم برابری شکست خورده است. اگر ما شکست بخوریم رفاه و شادی و خوشبختی شکست خورده است. اگر ما شکست بخوریم همان گذشته مشقت بار سلطنتی و استبدادی و اسلامی در قالبهای جدید پیروز شده است. کنگره چهارم حزب باید حزب و جنبش کمونیسم کارگری را بعنوان پرچمدار آزادی و رهایی انسانها با تمام قوا برای پیروزی در این جدال سهمگین و تعیین کننده وارد میدان مبارزه نهایی بر سر قدرت سیاسی کند.

کنگره چهارم باید شرایط و ملزومات پیروزی را معنی کند. معنای پیروزی را در مقابل چشمان جامعه قرار دهد. وظایف خطیری را که این موقعیت حساس و ویژه بر دوش حزب قرار میدهد، درک کند. اتحاد و انسجام و عزم لازم برای پیروزی را بوجود آورد. دشواریها و موانع و پیچیدگیهای اوضاع سیاسی را تشخیص داده و تلاش عظیمی را که لازمه پیروزی این انقلاب عظیم است را شناخته و تمامی حزب و جنبش کمونیسم کارگری را در ایفای نقش تاریخی خود خویش آماده کند. کنگره باید حزب را برای سازماندهی و رهبری انقلابی عظیم علیه رژیم اسلامی و سرمایه آماده و تجهیز کند.

کنگره چهارم در عین حال در غیاب منصور حکمت برگزار میشود. هیچ چیز نمیتواند جای خالی او را پر کند. این امکان پذیر نیست. اما تنها درک این شرایط و آمادگی و تعهد همه جانبه کارها و رهبری حزب برای ایفای نقش رهبری کننده انقلاب رهاییبخش حاضر میتواند شایسته حزبی باشد که منصور حکمت بنیانگذار و تجسم آرمانها و سیاست و سنتهای آن است. این انتظار من از کنگره است. *

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست کارگری

را بخوانید!



مجید حسینی

تازه ای گرفته است.

بعد از مرگ منصور حکمت در هر تجمع حزبی و در هر رویداد سیاسی در ایران و در سطح جهان، ضایعه جبران ناپذیر از دست دادن این انسان بزرگ برای حزب، برای جنبش کمونیسم کارگری و کل صف آزادیخواهی جهان در نزد من و تمام کسانی که سالها همراه او بودیم زنده می شد. این اولین کنگره حزب بعد از منصور حکمت است و با این احساس به استقبال آن میرویم. با وجود اینکه در فاصله بین کنگره سوم تا چهارم، حزب کمونیست کارگری ایران جلو آمده و تبدیل به یکی از فاکتورهای اصلی در تغییر اوضاع به نفع مردم در ایران گشته است، شکی نیست اگر منصور حکمت در این مدت با ما بود بسیار بیشتر از این جلو میرفتیم. علنی بودن کنگره چهارم، با موفقیت برگزار کردن آن هم تشبیهت دستاوردهای دوره اخیر حزب در غیاب منصور حکمت است و هم اطمینان خاطر به دوستان آن در جهت ادامه و تضمین راه و روش منصور حکمت در آن است. دادن قطعهنامه ها و مصوباتی که راه رهایی مردم از جمهوری اسلامی و به مقصد رساندن انقلاب برای ایجاد جامعه ای آزاد و برابر را برای همه نمایندگی کند، کنگره را به کمپین بزرگ سیاسی برای حزب و کادرهای آن در انتظار مردم آزادیخواه بدل خواهد کرد. مصوبات و بیانیه های این کنگره باید با روشنی و قاطعیت تمام جایگاه حزب را بعنوان حزبی انقلابی و چپ افراطی کوتاه نیامده از خواستهای مردم را برجسته تر نماید و از این سر تفاوتها و فاصله سیاسی خود را با همه جریانهای سیاسی دیگر در ایران بیشتر نشان دهد. اگر کنگره چهارم حزب با مصوباتش، با کمپین حول کنگره علنی از طریق پخش آن رو به ایران و با ملموس بودن اثرات این مصوبات و کمپین در کار و فعالیت حزب در مجموع بتواند عزم و اراده بصورت روشنتری در انتظار جامعه و افکار عمومی برجسته نماید، شاخصی است در موفقیت آن.

گفتیم که شرایط انقلابی است و مردم پا جلو گذاشته اند و جمهوری اسلامی باید برو به طبع این اوضاع لازم است حزب کمونیست کارگری ایران آرایش سازمانی خود را در بعضی عرصه ها کامل کند و در مواردی در انطباق با وظایفی که در پیش رو داریم تغییر دهد. آرایش سازمانی ما باید با برنامه، فعالیتها و عرصه های جدیدی که در شرایط

متحول آینده بر روی ما گشوده خواهد شد جوابگو و منعطف باشد، آرایش حزب باید آرایش متناسب با کسب قدرت سیاسی در ایران و آماده کردن حزب برای آن باشد. فکر می کنم باید از همین کنگره شروع کرد و تعداد اعضای کمیته مرکزی را به تعداد لازم اضافه کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران محق است مورد توجه، اعتماد و امید مردم ایران قرار گیرد. اغراق نیست بگویم که در میان کل نیروهای سیاسی در ایران تنها ما حقایق را به مردم گفته ایم، محتوای رویدادها را از زیر آوار تبلیغات همراه کننده بدر آورده و نشان داده ایم. در غوغای رای ۲۰ میلیونی خاتمی، منصور حکمت گفت این رای مردم برای شکاف انداختن در رژیم بود و رای به خاتمی نبود، در کنفرانس برلین در اوج پرو بیای دوخردادی توطئه مشترک رژیم و کشورهای غربی برای قالب کردن اسلام معتدل به مردم را با شعار مرگ جمهوری اسلامی خنثی کردیم. در کنفرانس لوکوم این ماجرا تکرار شد و این آخری دادن جایزه به شیرین عبادی بود که حزب ما هیاهوی مشترک راست و "چپ" و برنامه کشورهای اروپایی حول آن را پس زد. از طرف دیگر، این حزب بقدرت نرسیده منشا اثر و تغییر مثبت در زندگی مردم است. جلو دیپورت هزارها پناهنده را گرفته و جان صدها نفر را نجات داد، از زیر سنگمار رژیم اسلامی در ایران و دیگر کشورها ده ها زن را از مرگ نجات داد، کمپینهای بزرگی چون کمپین نفت و کارگران بهشهر و کمپین محمود صالحی و... را در دفاع از کارگران جلو برده و با تمام توان از خواست جوانان برای بهره مندی از زندگی شاد و مدرن بدفاع برخاسته است.

زنان، کارگران، جوانان! این حزب مستحق حمایت همه مردم است، باید به آن پیوست، زمان تردید نیست، دوره تلاش برای زندگی بهتر ما و بچه هایمان است، این روزها روز سازندگی و رقم زدن نوع زندگی آتی ما است. توافقات ما انسانهایی که از ظلم و بی عدالتی بیزاریم، قابل قیاس با خرده اختلافاتی که ممکن است با این حزب داشته باشیم نیست، برای زندگی بهتر و برقراری عظیم اجتماعی از این حزب دفاع کنید و به آن پیوندید. این یکی از فراخوانهای دیگر کنگره چهارم به مردم می تواند باشد.

در آخر اشاره کوتاهی به شرایطی سیاسی برگزار کننده و موقعیت حزب در آن را ضروری می دانم. همه می گویند دوخرداد شکست خورد. این واقعیت را خود دوخردادیها

میگویند، مردم و حزب کمونیست کارگری ایران می گوید، جناح راست و محافظه کار رژیم این را می گوید، کشورهای غربی که به این جناح برای سد کردن انقلاب مردم و سر کار آوردن اسلام دمکراتیک دلخوش کرده بودند می گویند و فلسفه دادن جایزه به خانم شیرین عبادی همین بود و خودشان بدان معترفند. مدتهاست که از تاریخ این شکست می گذرد و فکر می کنم بی توجهی به مولفه های جدید حاصل از این شکست، می تواند اثر منفی و تعلل ما را در انجام بموقع اتخاذ پراتیک و یا سیاستی درست که لازم باشد بدنبال خود بیاورد. خاتمی متحد کننده دو خرداد نیست و مورد حمله آن است. عبور از خاتمی، سبقت گرفتن دوخردادیها برای خروج از این جناح، جنب و جوش مهره های دوخردادی خارج حکومت و فعالین ملی مذهبی، برای زنده کردن و یا سروسامان دادن به جنبش "اصلاح طلبی" فعلی نیست، تدارک سنگر بندی دیگری است در مقابل رشد رادیکالیسم مردم و در مقابل کمونیسم در ایران. جناح دوخرداد خواهد ماند اما دوره نقش جلی آن در میدان سیاست ایران بسر رسیده. خیل شخصیتهای ملی مذهبی، محققین، اقتصاددانان و گروه محافل راست بو برده اند که اسلام در این دوران سلاح کارسازی برای مقابله با کارگران، زنان، جوانان و رادیکالیسم انقلابی مردم نیست و ناچارا به دایره نگهداری مذهب اسلام و بقا احترام و تقدس آن عقب نشسته اند. زمان را زمان وحدت ملی بر محور ملیت و ناسیونالیسم ایرانگری می دانند. نامه های ۱۵۲ چهره ملی مذهبی خطاب به سران قوا، و نامه ۱۳۵ نماینده مجلس به خامنه ای و حمایت ۴۱۵ نفر از ملی مذهبی ها از نامه این نمایندگان این را نشان داد. اخیرا، جریاناتی چون اکثریت فدائیان خلق، حزب توده و راه کارگر و به اضافه محافلی از ملی اسلامیها، دور هم جمع شده و "اتحاد جمهوریخواهان" تشکیل داده اند. بجز راه کارگر که یکی از جریانهای ملی اسلامی و سروسس دهندنده خارج کشوری آنها است، اکثریت اینها مهره های سرکوب و کشتار رژیم بودند، عوام فریبان و همکاران دیروزی جمهوری اسلامیند، پروژه ای را که در پناه این رژیم و بعد همراه دوخرداد نتوانستند به سر انجام برسانند، در قالب جمهوریخواهی ایرانی می خواهند به پیش ببرند. تصور نمی کنم اینها کارشان به جایی برسد، در حاشیه تحولات سیاسی ایران خواهند ماند تا در صورت لزوم علیه انقلاب بکارشان

گیرند. اهمیت این اقدام حزب توده و اکثریت که نام جمهوری خواهی را بر خود نهاده اند در این است که در شرایط انقلابی بعنوان مشاور و شاخکهای حساس اعلام خطر به بورژوازی عمل کرده اند و با تشکیل اتحاد جمهوری خواهان پژواک خود را فرستاده اند. اوضاع رژیم به جایی رسیده است که هر کس و جمعی و یا دانشجویانی که دست به اعتراضی می زنند و بیانیه و اعلامیه ای می دهند، پلافرم حکومتی صادر می کنند. بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر، فراخوان جبهه فرا گیر دمکراسی را می دهد و یگانه راه اتحاد طرفداران جمهوری در ایران را می داند. این وضعیت سیاسی ایران در کردستان منعکس شده و در فراخوان نیروهای ناسیونالیست کرد به تشکیل جبهه کردستانی و نامه اعتراضی اخیر نمایندگان کرد در مجلس خود را نشان داد. شرایط جدید و متفاوتی است به نسبت گذشته، موقعیت جدید حزب، گسترش و رادیکال شدن مبارزات مردم و کارگران، تغییر آرایش ملی مذهبیها، شروع شکل گیری قطب های پایدارتر در جبهه راست و فعال تر شدن اروپا در رابطه با ایران از مولفه های آن است. این اوضاع تنها نشان خرابی وضع رژیم نیست، نشان ناتوانی اپوزیسیون راست پرو غرب در این دوره و در محقق قرار گرفتن سیاست "رژیم پنج" آمریکا و ابهام و بی دورنمایی تغییر نظام از بالا بدلیل آمدن مردم به خیابانها است. در عین حال نشان کار و وظایف بسیار سنگینی است که در برابر حزب کمونیست کارگری ایران قرار گرفته است.

کشورهای غربی متوجه ناسامانی جمهوری اسلامی با هر دو جناح آن و رادیکالیسم انقلابی مردم و نقش حزب کمونیست کارگری هستند. بسیار بیشتر از هر دوره ای در فکر فیصله دادن به این وضعیت از بالا و بدون دخالت مردم اند. جایزه صلح نوبل به خانم عبادی شروع فاز جدیدی از این دخالت در سطح آلترناتو سازی در جواب به این اوضاع در ایران را اعلام کرد. راست پرو غرب و کشورهای غربی فعلا بی دورنما و فاقد آلترناتیو مشخص اند و این دوره گذرا دارد بسر می رسد و تغییر می یابد. فقط حزب کمونیست کارگری ایران دارای برنامه و آلترناتیو مشخص است، از آن چنان توان و درایت سیاسی برخوردار هست که بتواند تحت هر شرایطی راه درست و چگونگی فائق آمدن بر مشکلات را تضمین کند. به امید کنگره موفق. *



رحمان حسین زاده

نیازها و توقعات متنوع و بالایی پیشروی کنگره هستند. به نظر من راز موفقیت کنگره در آنتس که نیاز سیاسی زمانه خود را تشخیص دهد و به آن جواب دهد. اما مسئله اینست این نیاز سیاسی زمانه چیست؟ در این رابطه شخصا دو موضوع را برجسته میدانم. نخست اینکه در اوضاع ملتبه و پر تحول سیاسی ایران، کنگره چهارم نشان دهد پرچمدار سرنگونی جمهوری اسلامی و نیروی آلترناتیو برای اداره جامعه ایران بعد از رژیم اسلامی است.



شهلا دانشفر

من وقتی به کنگره فکر میکنم، برایم بسیار شورانگیز است وقتی مجسم میکنم که در این مقطع سیاسی حساس، مقطعی که جامعه بیش از هر وقت در جنب و جوش است و آشکارا در آستانه یک تحول بزرگ و انقلابی قرار داریم، صدها تن از فعالین و کادرهای کمونیست در یک مجمع تعیین کننده حزب کمونیست کارگری جمع میشوند، سرود انترناسیونال میخوانند و با دادن قطعنامه و بیانیه های خود در باره اوضاع خفیر امروز ایران و منطقه، عزم خود را برای پایان دادن به این بربریت موجود و هرگونه ستم و خفقان، و برای برپایی جامعه ای آزاد و انسانی و سوسیالیستی اعلام میکنند. این حزب بطور واقعی امروز

بر خلاف چند سال گذشته امروز اتفاق نظر وسیعی وجود دارد که جمهوری اسلامی رفتنی است. این را نه تنها مردم معترض و ما کمونیستهای کارگری میگوییم، بلکه غرب و بورژوازی بین المللی و محلی و حامیان تاکتونی جمهوری اسلامی و کمیته صلح نوبل هم میگویند و در فکر چاره جویی و شکل دادن به آینده بعد از جمهوری اسلامی هستند.

حزب کمونیست کارگری هم با تمام توان در فکر شکل دادن به آینده سیاسی ایران است. کنگره ما که به شکل باز و علنی و قابل دسترس برگزار میشود، باید راه و چاه سرنگونی جمهوری اسلامی را به مردم نشان دهد. و از آن فراتر نشان دهد اداره جامعه با خلاء روبرو نمیشود و این حزب آمادگی فوری تصرف قدرت سیاسی و جاری کردن حاکمیت انقلابی و مستقیم مردم را دارد. خیلی ها با نیت و نقطه عزیمت های مختلف میگویند جمهوری اسلامی رفتنی است "اما آلترناتیوی که جای آن را بگیرد هنوز در صحنه نیست". به تکرار این جمله باید پایان داد و این رسالت کنگره چهارم است که نشان دهد و این اعتماد را جلب

گرایش چپ و رادیکال و آزادخواهانه جامعه را نمایندگی میکند و کنگره آن نیز یک رویداد مهم در تاریخ مبارزه آزادخواهانه و رادیکال این جامعه خواهد بود.

به نظر من یک فاکتور مهم سیاسی در اوضاع کنونی در ایران نفس وجود این حزب است. از اینرو کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران یک اتفاق سیاسی مهم در شرایط متحول امروز ایران است و نقش تاریخی معینی بر دوش آن قرار دارد. کنگره چهارم باید بتواند پاسخگوی این نقش تاریخی خود باشد. کنگره چهارم حزب یک کنگره روتین حزبی نیست و به دو لحاظ ویژگی دارد. یکی اینکه اولین کنگره ای است که با کمال تأسف بدون منصور حکمت تشکیل میشود و این کنگره باید در تداوم خط و همان افقی باشد که او در مقابل این حزب قرار داده است. کنگره ای باشد که یکبار دیگر عزم خود را برای گرفتن قدرت سیاسی در ایران بعنوان برحق ترین آلترناتیو بعد از جمهوری اسلامی نشان دهد. ویژگی دوم شرایط متحول سیاسی است که این کنگره در متن آن تشکیل میشود.

واقعیت اینست که کنگره چهارم در شرایطی برگزار میشود که جنبش سرنگونی هر روز گسترش و شدت بیشتری میگیرد، شرایطی که جامعه در حال التهاب و غلیبان است و همچنانکه اشاره کردم ما در آستانه یک انقلاب یا تحول زیرورو کننده قرار

کند که "حزب کمونیست کارگری هست و ما هستیم". جنبش و حزب ما آماده گرفتن قدرت و بنیاد گذاشتن یک جامعه آزاد و برابر و پر از رفاه در ایران است. پراتیک بعد از کنگره این را باید تضمین کند. رسالت کنگره و پراتیک بعد از آن تبدیل نسیم کنونی انقلاب به طوفان انقلاب علیه نظم موجود و جمهوری اسلامی است.

دوم، کنگره چهارم به دنبال کنگره سوم که اساسا کنگره منصور حکمت و خط مشی آن بود برگزار میشود. این کنگره باید نشان دهد کماکان کنگره منصور حکمت و تداوم بخش خط مشی و جهت و متد و روش و سیاست اوست. لازمست همان استانداردهای سیاسی، همان توقعات بالا و همان شور و عظمت منصور حکمت را نمایندگی کند. بعد از کنگره همه ببینند، کنگره چهارم و حزب کمونیست کارگری، کنگره و حزب منصور حکمت بوده و هستند. چشم امید جنبش آزادی و برابری و انسانیت به این کنگره دوخته شده است. ما و کنگره ما موظفیم پاسخگوی این چشمهای امیدوار باشیم. *

داریم. بنابراین این وضعیت هم جایگاه سیاسی مهمتری به این کنگره میدهد و هم انتظارات بیشتری را در مقابل آن میگذارد. در کنگره سوم، حزب کمونیست کارگری عزم خود را برای کسب قدرت سیاسی بعنوان رهبر جنبش سرنگونی در ایران اعلام داشت. در این کنگره پاسخگویی به این امر بطور عملی روی میز ما قرار گرفته است و کنگره باید با قطعنامه های روشن به آن پاسخ دهد و استراتژی حزب برای کسب قدرت سیاسی را به روشنی بیان کند. از درون این کنگره باید حزب متحد تر آماده تر و مصمم تر برای پاسخگویی به این امر خطیری که در مقابلش قرار دارد بیرون بیاید.

کنگره حزب بصورت علنی تشکیل میشود و همه کسانی که در خارج کشور هستند میتوانند در این کنگره شرکت کنند و توصیه من اینست که تلاش کنند که این کار را بکنند و از نزدیک مسائل آنرا دنبال کنند. همینطور من بعنوان یکی از اعضای کمیته کل کشور انتظارم از تمامی دوستان حزب در داخل ایران اینست که اکنون که بدلائل امنیتی امکان دخالت مستقیم آنها در کنگره و شرکت در آن وجود ندارد، با ارسال نظرات و پیشنهاداتشان بر تصمیمات سیاسی این کنگره تاثیر بگذارند. و با فرستادن پیامهای همبستگی خود به جمع کنگره بپیوندند. *



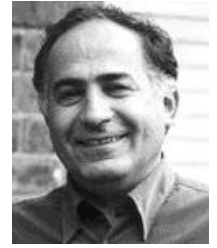
فاتح شیخ الاسلامی

اگر جامعه ایران به چپ چرخیده و در آستانه یک انقلاب قرار دارد، اگر مردم عزمشان برای خلاصی از رژیم اسلامی را محکمتر از پیش اعلام کرده اند و اگر درم کوبیدن رژیم از راه انقلاب در دستور روز مردم است، که بنظم همینطور است، کنگره ۴ حزب باید پرچم این انقلاب را بلند کند و راه تحقق آنرا نشان دهد. انقلاب به این حزب نیاز دارد. انقلاب بدون حزب انقلابی پیش نمیرود و پیروز نمیشود. کنگره باید نشان دهد که این حزب آماده است به نیاز تحول انقلابی جامعه جواب بدهد. این کار تنها از ما ساخته است. در ایران، امروز هم انقلاب در چشم انداز است و هم حزب انقلابی کمونیستی کارگری رادیکال و با اعتبار و پرنفوذی وسط صحنه است. این دو واقعیت شورانگیز در کنار هم در پروسه تحول سیاسی جامعه، منظر پرشوری پیش چشم ما میگذشاید، منظر تحقق آزادی، رهایی، برابری، رفاه و عدالت از راه یک انقلاب بیوقته. کنگره باید آینه تمام نمای این منظر باشد. باید صحنه شور و هیجانی مشابه آنچه کنگره سوم با حضور منصور حکمت شاهدش بود باشد. در این کنگره منصور حکمت را همراهان نداریم اما به دو واقعیت باید آگاه بود: هم تحولاتی که منصور حکمت مسیرش را ترسیم کرد در آن جهت پیشرفت زیادی کرده و هم حزب منصور حکمت در بدست گرفتن رل تحولات گامها جلو رفته است. حزب ما بر خط استراتژی و سیاستهایی که منصور حکمت طی سالیان پربار فعالیت سیاسی و نظری و حزبی درخشانش برای آن طراحی کرده بود،

محکم دارد جلو میرود و از طرف دیگر توده های مردم، کارگران، زنان، جوانان با درگیر شدن هر چه بیشتر در مصاف با جمهوری اسلامی روز بروز روشن بین تر و آگاهتر شده و به سیاستهای حزب و خط حزب نزدیکتر شده اند و این خط و سیاست را به راهنمای پراتیک خود بدل کرده اند. کنگره ۴ باید در مسیر این نزدیکی و وحدت حزب و مردم، نقطه عطف قطعی جوش خوردن نیروی مادی و اجتماعی انقلاب با رهبری آن بشود. در این کنگره رهبری حزب باید به روشنی اعلام کند که آماده رهبری انقلاب مردم برای بزرکشی و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی است، قادر است همه ملزومات سیاسی و سازمانی و مادی آنرا فراهم کند. کنگره ۴ باید فراخوان و پرچم تبدیل سریع حزب به یک حزب سیاسی توده ای نیرومند باشد، حزبی که سرنگونی جمهوری اسلامی را به کم مشقت ترین شیوه متحقق کند و با استقرار جمهوری سوسیالیستی، انقلاب را بیوقته در راستای برنامه کمونیستی خود پیش براند.

از اینجا به عرصه جهانی میرسم که به حکم شرایط عینی، کنگره باید با روشن بینی و قاطعیت سیاسی در آن عرض اندام کند. جهان در آستانه تحولات تعیین کننده ای است. استراتژی قدری و جنگ آمریکا که "نظم نوین جهانی" اسم رمز آن و سیاستهای "ضربه پیشگیرانه" و "رژیم پنج" و غیره ترجمه عملی آن است با جنگ آمریکا علیه عراق وارد مرحله ای شده که به نظر من مرحله شکست آن است. بر متن تناقضات و جدالهای قدرت های امپریالیستی، اعتراض جهانی و رادیکال بشریت متمند، میتواند و میرود که قدری آمریکا را به شکست بکشاند. همه پیش بینی های ما قبل از جنگ، طی این ۸-۷ ماه متحقق شده است. ما بخش پیشرو و روشن بین این جنبش اعتراض جهانی رادیکال هستیم، تاکنون هم پرچم روشن، خط و شعار روشن برای پیشرفت این جنبش را ما داشته ایم و ارائه داده ایم. کنگره ۴ حزب باید خطوط فعالیت خود، خطوط دخالت رهبرانه خود در جنبش جهانی بشریت متمند علیه سیاستها و پروژه های قدرانه آمریکا و نیز علیه رقابت و کشمکش سایر قدرتهای امپریالیستی را روشن کند و اعلام کند. *

زنده باد سوسیالیسم!



ایرج فرزاد

کنگره چهارم حزب به نظر من در یک کلام باید پاسخ شایسته‌ای به فراخوان منصور حکمت در کنگره سوم بدهد. اگر منصور حکمت در آن مقطع، از باز شدن یک "روزنه" کوچک برای وارد شدن کمونیسم کارگری در فضای سیاسی جامعه ایران سخن گفت، اکنون به عیان میبینیم که این روزنه بسیار بیشتر از یک منفذ کوچک و باشکوه شده است. حفاظ دو خرداد رژیم نه تنها فروریخته است، بلکه همه سخنگویان آن، از جمله بادی گارد‌های حاملین پل بین اصلاح طلبان اسلامی "داخل و خارج" در کنفرانس برلین و شوالیه‌های پرفسور و پیشمرگهای خاتمی شامل هیات موتلفه آنها یعنی اکثریت و حزب توده صراحتاً عدم شرکت در انتخابات مجلس هفتم را تبلیغ میکنند و از آن فراتر شرکت "جبهه" دو خرداد در انتخابات آتی مجلس هفتم را موجبی برای مشروعیت جناح "تسامت خواه" نامیده اند. شخصیت‌های متفرق اپوزیسیون پرو رژیم، و فالانژهای تا دیروز "جنبش اصلاحات" و "مردمسالاری اسلامی"، به "برکناری" رژیم اسلامی و تلاش برای "دمکراسی سکولار" از طریق "مسالمت آمیز" رسیده اند و خود را در "اتحاد جمهوری خواهان" بازسازی کرده اند. معلوم است که این نشانه ای قوی از موج سرنگونی خواهی مردم ایران و فشار مبارزه مردم بر این طیف همیشه و همواره اسلامی ملی است.

دوره ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر امسال، دورنمایی پهناور و کانال بزرگی را بجای آن روزنه کوچک در مقطع کنگره سوم حزب، رو به کمونیسم کارگری گشوده است. حزب کمونیست کارگری چه در آن دوره و چه در پروسه کوتاه مدت و زودرس و پوچ بودن هلهله‌ای که همان طیف سابق پرو رژیم برای شیرین عبادی راه انداختند، به وسط و قسمت گود میدان سیاست جامعه ایران قدم گذاشته است و به این اعتبار میتواند با کمال اعتماد به منصور حکمت

گفت که اگر کنگره سوم هنوز در مورد خود حزب بحث میکرد، اکنون حزب خود را در معرض انتخاب میلیونها توده مردم قرار داده است. منصور حکمت انتظار داشت که حزب تعداد ساعات رادیو انترناسیونال را بیشتر کند و به فکر ایجاد فرستنده تلویزیونی هم باشد. حزب کمونیست کارگری پروژه راه اندازی رادیو و تلویزیون بیست و چهار ساعته را در دستور خود گذاشته است که تدارک مالی و فنی آن در مراحل پایانی است. حضور عضو رهبری و کادرهای حزب در میان مردم سنندج، یکی از شهرهای اصلی ایران، گامی بلند به پیش در راستای توصیه های منصور حکمت و پیگیری رهنمودهای او است.

به نظر من کنگره چهارم حزب باید به این ترتیب به مردم ایران، به کارگرانی که حقوق معوقه شان پرداخت نشده است، به کارگران صنایع کلیدی که در معرض تهدیدات جدی بیکار سازهایی وسیع قرار دارند، به جنبش برابری طلبانه زنان و به تلاش عظیم مردم ایران برای شکستن اختناق اسلامی و رهائی فرهنگی و خلاصی از مذهب و اسلام، به نفرت مردم شریف از رشد و گسترش پدیده شکنجه آور کودک خیابانی و کودکان کار، به دلهره های مردم از گسترش افسار گسیخته اعتیاد و چنگ انداختن باندهای مافیائی دولتی و غیر دولتی توزیع مواد مخدر بر روح و جسم کوچک و بزرگ و زن و مرد جامعه ایران، به مبارزه مردم علیه فلاکت و فقر و به اعتراض و خشم از مشتگی انگل اسلامی که اموال و ثروت و سامان آن مملکت را بالا کشیده اند، به هزاران انسانی که زیر اختناق و خفقان رژیم اسلامی راه استیصال و یاس و خودکشی و خودسوزی را برمیگزینند، اطمینان دهد که برای بزیر کشیدن رژیم نکبت اسلامی و برپائی یک جامعه شاد، مرفه، انسانی و پیشرو و خوشبخت و آزاد، ستون اعتماد و تنها نیروی راستین مدافع حقوق پایه ای و مدنی شهروندان جامعه ایران است. کنگره چهارم حزب باید اطمینان بدهد که در برابر سیاست نظم نوبنی عراقیزه کردن جامعه ایران و نیز پروژه رام سازی اسلام سیاسی و سازش و بند و بست دولتهای غربی با رژیم اسلامی، قاطعانه ایستاده و خواهد ایستاد. حزب کمونیست کارگری ایران تنها نقطه امید میلیونها مردم جامعه ایران و مبشر صلح و آزادی و برابری و حقوق مردم ستمدیده در خاورمیانه، و سمبل مبارزه قاطع با تروریسم اسلامی و دولتی است. این تصمیم باید از عالی ترین مرجع این حزب

یعنی کنگره ای که در پیش داریم با تمام قوا به مردم ایران و به مردم منطقه اعلام شود.

کنگره چهارم حزب باید برنامه یک دنیای بهتر را بعنوان منشور پیروزی مردم بر جمهوری اسلامی و بعنوان مبانی قانون اساسی یک جامعه سکولار، مدرن و متمدن و پیشرو به گوشه و زوایای زندگی مردم ایران ببرد.

رژیم اسلامی جامعه ایران را در یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی فرو برده است، مردم تحت سلطه یک رژیم سرتا پا طفیلی و جنایتکار و ضد هر جلوه ای از مدنیت، دارند به سراسیمگی تساهی روحی و جسمی پرتاب میشوند. این مردم و این جامعه در برابر سقوط به این حفره وحشت مبارزه کرده اند، مقاومت نشان داده اند و عزیزترین انسانهای خود را در این راه قربانی نسل کشیها و آدمکشیهای رژیم اسلامی کرده اند. این مردم و این جامعه به نیروئی نیازمند است که آنها را از یک تند پیچ خطرناک عبور دهد و به جامعه ای عاری از ترور و وحشت و اختناق و فقر و ناامنی اقتصادی و اجتماعی رهنمون شود. دورنمای طیفهای مختلف و احزاب و گرایشات وابسته به طیف ملی مذهبی برای مردم و جامعه ایران از چشم انداز سیاسی که جمهوری اسلامی در عمل و طی یک ربع قرن ترسیم کرده است فراتر نمیرود. اپوزیسیون راست پروغرب در بهترین حالت، جامعه ترکیه را با همان دخالتهای "دموکراتیک" مذهب در دولت و آموزش و پرورش و با چنگ زدن به ناسیونالیسم عظمت طلب و "بیگانه ستیزی" ایرانی و حفظ مناسبات استثمار سرمایه داری موجود، به دنبال الگوی "نجات" ایران اند. نوستالژی اعاده سلطنت، در میان طیف فعالتر این اپوزیسیون، خواه از طریق کلاه "زفراندوم" و یا توهم پراکنی به برپائی یک پادشاهی "فرمایشی" از نوع دانمارک و سوئد اسپانیا در کشوری که سرمایه داری جز با کار ارزان و کارگر خاموش نمیتواند بازسازی شود، پیشاپیش دورنمای حل بنیادی بحران سیاسی اجتماعی جامعه ایران را کور کرده است. در شرایط یاس طیف ملی مذهبی از تلاش برای حک و اصلاح رژیم اسلامی، اینها نیروی ذخیره راست پروغرب خواهند شد و به تدریج پوسته اسلامی خود را کنار گذاشته و به لباس ملی سکولار ملبس میشوند.

در این میان کمونیسم کارگری برنامه و نقشه روشن و راه حل شفاف عبور دادن جامعه ایران از بحران، خلاصی از سلطه رژیم اسلامی و



ثریا شهابی

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران، به اعتقاد من اجتماع بزرگی از کسانی است که سخنگو و رهبر جنبش سرنگونی حکومت اسلامی اند. این اجتماعی بزرگ از کسانی است که وزن، توان و عزم این حزب را برای خلاص کردن مردم از شر حکومت اسلامی و برای ساختن یک دنیای بهتر دیده اند. کنگره چهارم حزب ما باید بتواند و میتواند به یک اتفاق بزرگ در تحولات سیاسی ایران تبدیل شود.

حکومت اسلامی رفتنی است! نه کمیته صلح نوبل، نه سازمان ملل، و نه حتی خانم عبادی هم نمی تواند نجاتش بدهد! هیچ جریان اصلاح طلبی که بخواهد مردم ایران را با رژیم اسلامی سازش بدهد، دو روز بیشتر دوام ندارد. آنچه که ماند و آنچه که میماند ما هستیم، آلترناتیو سرنگونی جمهوری اسلامی، یعنی حزب کمونیست کارگری ایران!

کنگره چهارم ما باید حزب را در دسترس مردم قرار بدهد. بظر من این کنگره میتواند پله مهمی باشد برای اینکه انتخاب مردم را ساده بکند. بخواهد مردم بیانید و این حزب را انتخاب کنند.

همه میدانیم که مردم ایران از سرتاپای حکومت اسلامی و

اسلام سیاسی و آزادی جامعه ایران را ارانه داده است و حزبی قدرتمند و دارای نفوذ را پیشاروری مردم ایران گرفته است. به نظر من کنگره چهارم حزب باید با اعتماد به نفس خطاب به مردم ایران و در پاسخ به نیاز جامعه ایران به یک راه حل انقلابی و رادیکال و انسانی و پیشرو اعلام کند که برای برعهده گرفت این مسئولیت بزرگ و تاریخی آماده است. کنگره چهارم باید با اطمینان خاطر به مردم ایران اعلام کند که برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی از قدرت و پایان دادن به تروریسم اسلامی و بنای یک جامعه خوشبخت و شکوفا، سکولار و متمدن و آزاد و برابر تنها نیروی قابل

طرفداران قدیم و جدیدش منزجر و متنفرند! اما رهبر ندارند و رهبر میخواهند! کنگره چهارم ما باید نشان دهد که آماده رهبری کردن انقلاب مردم ایران علیه حکومت اسلامی است. کنگره ما باید نشان بدهد که آماده پاک کردن جامعه ایران از فقر و نداری، خفقان، زن ستیزی و نابرابری است

تا این لحظه، کسی نمی تواند منکر شود که هیچ حزب و جریان دیگری وجود ندارد که بتواند جنبش رادیکال، مدرن، ضد مذهبی، آزادیخواه و برابری طلب مردم ایران را نمایندگی کند. ما نشان داده ایم که نماینده اکثریت مردم ایران ایم! کنگره ما باید بتواند عزم و اراده این اکثریت برای خلاصی از حکومت اسلامی را نمایندگی کند. باید بتواند به مردم کارگری ایران که مردم! حزب کمونیست و آن را تحویل بگیرد! باید بتواند بگوید مردم بیانید حزب تان و خودتان را به قدرت برسانید!

این کنگره باید کنگره تعهد مجددی باشد برای کادرهای حزب برای کسب قدرت سیاسی. فرصت کم است و تعجیل زیاد! هیچ حزب و جریان سیاسی دیگری اینهمه فکر، تجربه و شخصیت معتبر، اراده و عزم روشن بینی، برای به سرانجام رساندن انقلاب ضد اسلامی ایران ندارد!

به اعتقاد من اسلام ربنای حفظ نظام وحشی سرمایه داری ایران بود! و انقلاب ضد اسلامی در ایران، به رهبری حزب ما، میتواند مبشر بنای نظم انسانی سوسیالیستی باشد. و کنگره باید نشان بدهد که میخواهد عزم کرده است که اینکار را بکند و انقلاب سوسیالیستی را بر وبرانه های جمهوری اسلامی به سرانجام برساند. *

اعتماد است. کنگره چهارم حزب باید راه هر گونه سازش و مماشات با رژیم اسلامی و ایبقا و بازسازی آنرا در هر شکلی، چه از جانب نیروهای طیف ملی مذهبی و چه از سوی دولتهای غرب به شکست بکشاند. کنگره چهارم باید به مردم فراخوان دهد که وسیعاً به دور حزب متحد شوند و حول پرچم آن برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی گرد آیند.

کنگره چهارم باید تجسم روحیه لنین و منصور حکمت را در یک حزب مضمم، سرتا پا متحد و یکپارچه برای یک انقلاب بنیادین علیه سلطه شوم رژیم اسلامی و اسلام سیاسی به مردم ایران و منطقه بشارت دهد. *



اعظم کم گویان

کنگره های حزب کمونیست کارگری ایران عالیترین مرجع سازمانی و بالاترین مکان تجمع نمایندگان حزب برای تصویب اصلی ترین جهت ها و خط مشی ها و عزم جزم کردن برای متحقق کردن استراتژی و اهداف حزب بر متن اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه ایران هستند. کنگره چهارم حزب این بار در آستانه يك انقلاب در ایران برگزار می شود. ورزش نسیم انقلاب در ایران حال و هوای دیگری به کنگره چهارم حزب خواهد داد و آماده شدن همه جانبه برای پاسخگویی به ضرورتهای این وضعیت جدید و انقلاب در شرف وقوع، خصلت مشخصه کنگره چهارم حزب خواهد بود.

جامعه ایران دستخوش تحولات عمیق و دامنه داری است. مردم در تب و تاب تغییر می سوزند، تغییرات پایه ای که زندگی آنها را از چنگال فقر، اسلام زدگی، نابرابری و اختناق نجات بدهد. هیچگاه خواسته های مردم برای تغییر چنین ریشه دار و قوی نبوده است. زنانی که بیست و چهار سال است که هیولای اسلام سیاسی زندگیشان را تباہ کرده، جوانانی که سیاهی و جوهر تباہ کننده حکومت دینی ابتکار، آزادی، خلاقیت و شادی را برای بیش از دو دهه از آنها سلب کرده، کارگرانی که سالهاست حتی برای به چنگ آوردن دستمزدهایشان باید با سرمایه داران و حکومتشان در کارخانه و خیابان و به هر مناسبتی بجنگند، همگی نیروی اصلی تحول در جامعه ایران هستند. ایران در آستانه يك تحرك جانانه و پرشور ضد مذهبی، زنانه و

آزادیخواهانه است.

اکنون دیگر بسیاری واقفند که تحول مثبت در وضعیت سیاسی ایران، چرخشهای تعیین کننده و سرنوشت سازی در صف آزادیخواهی و انسانیت در سطح جهان بوجود می آورد. می دانند و می گویند که ستون فقرات اسلام سیاسی لطمه دیده و به همت مردم به میدان آمده در حال شکستن است. اذعان می کنند که آزادی زنان در ایران بشارت و امید بهبود در موقعیت زنان در منطقه خاورمیانه را می دهد. می گویند با پیروزی و یا حتی کسب سنگرهایی در این مبارزه، ایران چشم و چراغ سکولاریسم و جنبش جدایی مذهب از دولت خواهد شد. کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری باید نیروی خلاقه و تعیین کننده این روند باشد. نیروی محرکه این تحول انقلابی در ایران چپ و کمونیسم کارگری است. فقط این نیرو می تواند اعتراض مردم برای سرنوشت جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری را رهبری کند.

از این رو، اساس کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران، انقلاب ایران و نقش ما در آن است. ما در کنگره باید روشن کنیم که چگونه به قدرت می رسیم، سیاستهای ماکرو و تاکتیک هایمان چه هستند، مبتنی بر مباحثات حزب و جامعه، و حزب و قدرت سیاسی، چگونه رهبری حزب را برای رهبری انقلاب مردم آماده ساخته و ابزارهای این کار را صیقل می دهیم. کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری باید مکانیسم ها و ابزارهای تحقق رهبری انقلاب آتی در ایران را روشن و تائید کند، در راس سیلاب خروشان اعتراضات مردم قرار بگیرد و قدم به قدم رهایی و برابری را برای مردم به ارمغان بیاورد. کنگره چهارم حزب باید خصلت دینامیک، جسارت و تیزبینی و بلند پروازی فکری، سیاسی و اجتماعی حزب کمونیست کارگری را مانند گذشته نشان داده و مکانیسم های تداوم آنها را تائید سازد.

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری باید تضمین کند که حزب، حزب منصور حکمت و حزب سازماندهی و رهبری انقلاب مردم در ایران است. *



اسد گلچینی

کنگره ۴ حزب به نظر من میتواند نقش مهمی در اوضاع سیاسی که در آن قرار داریم داشته باشد. تصمیم ما بعنوان بزرگترین و مهمترین حزب در اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای خود ما، برای مردم، برای نسل جوان در ایران، برای کمونیستها و طبقه کارگر و راستش حتی برای کل اپوزیسیون مهم است. در یک جمله، نقش و جایگاهی که این کنگره میتواند داشته باشد برای جامعه و همینطور برای حزب و آینده فعالیتهاش مهم است. این ادعا امروز صد بار بیشتر به حقیقت نزدیک است وقتی که جایگاه این حزب و سیاستها و فعالیتهاش را در عرصه اجتماع و در فاصله کنگره ۳ تا ۴ مرور میکنیم.

اوضاع سیاسی در ایران همچنان متحول است و از طرف همه دولتها و نیروها و احزاب سیاسی جدی و دخیل شدت مورد توجه است. جمهوری اسلامی کماکان و بیش از پیش برای اکثریت مردم ایران و اقشار و طبقات اجتماعی آن مقبولیت ندارد. از نظر مردم این رژیم باید برود و جنبش برای سرنوشتی آن سالهاست در جریان است و این مهمترین موضوع در اوضاع

سیاسی ایران است که کنگره باید به آن مهر اهداف و افق خود را بزند.

اروپا و آمریکا با مصلحت های سیاسی و اقتصادی خودشان در پی نجات رژیم از مبارزه رادیکال مردم و نیروهای سیاسی آنها هستند. راه نجات و رهایی رژیم و مصالح خود را در تعدیل و اصلاح رژیم میبینند و کاری به سرنوشت مردم نداشته و ندارند. پاسخ حزب کمونیست کارگری، نسل جوان در ایران و کمونیستها و مردم رادیکال، رهبری مبارزه برای سرنوشتی رژیم است که از برلین تا تهران و تا نروژ و عکس العمل در برابر جایزه صلح نوبل و حضور رهبران کمونیست کارگری در میان مردم ادامه داشته است.

نیروهای اپوزیسیون راست و جریانهای ملی و اسلامی نیز در میدان بازی غرب و رژیم گرفتار بوده اند و مشکل اینها اشتراک در آرمان و اهدافشان با غرب و رژیم و دوری و بی ربطیشان به مردم و اعتراض آنهاست. از سوی دیگر اوضاع سیاسی در ایران و در سطح بین المللی پیچیده تر شده است. جمهوری اسلامی برای نجات خود به اتم روی آورده و نقشی فعال در آشفتگی تر کردن منطقه و مشخصا عراق دارد، اینها هم بیشتر ایران را در محور اتفاقات و تحولات سیاسی قرار داده است. حزب کمونیست کارگری در برابر این چنین وضعیتی قرار دارد و باید پاسخ خود را به آنها بدهد.

بنظر من برای کنگره ۴ حزب بزرگترین مشغله توجه به همه فاکتورهای موجود داخلی و بین المللی و جنبش مردم و تحولاتی است که در چند ساله اخیر در این اعتراض و مبارزه به وجود آمده است. اعتراض رادیکال مردم میسرود که به سرنوشتی رژیم و قیام و انقلاب آنها منجر شود و این مهمترین تحول است که آمادگی رهبری حزب و حزب برای دخالت در این وضعیت را ایجاد کرده

است. رهبری این مبارزه در چنین شرایطی از اوضاع داخلی و بین المللی که وجود دارد، به همان افق و اشتها و توقع و اهدافی نیازمند است که منصور حکمت در کنگره ۳ پیش پای حزب و جنبش کمونیسم کارگری گذاشت. داشتن این افق و تبدیل حزب به آئرناتیوی برای حکومت اسلامی باید از تصمیمات کنگره ۴ باشد.

حزب کمونیست کارگری با موقعیت سیاسی و اجتماعی ای که پیدا کرده است همچنان برای کسب قدرت سیاسی آماده ترین و با نفوذ ترین نیرو است و این شانس را دارد. هموار کردن راه برای انتخاب حزب از طرف مردم باز هم امر مهم کنگره است.

کنگره ۴ حزب در عین حال باید سمت و سو و عزم خود را برای سازماندادن مبارزه کارگران، زنان، جوانان، معلمان و همه اقشار مبارز جامعه نشان دهد، حزب کمونیست کارگری ایران باید به يك موجودیت سازمانی و توده ای در میان مردم متحول شود و به این ترتیب زمینه های دخالت مستقیم در اداره امور را فراهم سازد.

آیا کنگره قادر به ایفای چنین نقشی خواهد شد؟ به نظر من پاسخ مثبت است. مهمترین دلیل من این است که حزب کمونیست کارگری ایران همچنان و بروشنی خط و جهت و پلاتفرم منصور حکمت را دارد و دیگر اینکه بعد از درگذشت منصور حکمت و با گذشت این مدت حزب ما در اوضاع و احوال پر حادثه و متحول سر بلند بیرون آمد و نشان داد که حزب منصور حکمت میتواند باقی بماند. ما در ادامه این فعالیتها هستیم و فکر میکنم رهبری قدرتمند حزب کمونیست کارگری ایران قادر خواهد بود افتخار رساندن پیام و تصمیمات و عزم و اراده کمونیستی منصور حکمت به جامعه باشد. *

در کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری شرکت کنید

Tel: 0044 (0) 781 590 2237

Fax: 001 2532703362

e-mail: congress_4@yahoo.co.uk

ورودی هر نفر برای دو روز جلسه معادل ۴۰ پوند، ۶۵ دلار آمریکا و یا ۶۵ یورو است.

تعدادی امکانات خوابگاهی برای استفاده ناظرین تهیه شده است که بترتیب ثبت نام به متقاضیان اختصاص داده میشود. بها برای هر نفر، شامل صبحانه، نهار و شام، برای هر شب معادل ۴۰ دلار آمریکا، ۲۵ پوند و یا ۴۰ یورو است. برای اطلاع از جزئیات بیشتر تماس بگیرید.

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند. کنگره در نیمه اول دسامبر امسال برگزار میشود.

این فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای آن در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و یا ای میل زیر تماس بگیرید.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!